

واکاوی و گونه‌شناسی «شرک خفی» در منظومه عرفانی و اخلاقی امام خمینی (ره)؛

از حجاب‌های معرفتی تا لغزش‌های رفتاری

الیاس نجاری*

چکیده

«شرک خفی»، به مثابه دقیق‌ترین و پنهان‌ترین حجاب بر سر راه تحقق توحید خالص، یکی از محوری‌ترین مفاهیم در عرفان عملی و منظومه اخلاقی امام خمینی به شمار می‌رود. این پژوهش با هدف فراتر رفتن از احصای صرف مصادیق و با روش توصیفی-تحلیلی در آثار کلیدی ایشان، به دنبال ارائه گونه‌شناسی منسجم و ساختارمند از این پدیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد مصادیق شرک خفی در چهار ساحت درهم‌تنیده قابل ترسیم‌اند: (۱) ساحت نظری (ریشه در پندار استقلال وجودی ممکنات و اتکا به اسباب)؛ (۲) ساحت روان‌شناختی (بروز انانیت و حب نفس)؛ (۳) ساحت عبادی (ظهور ریا، سُمعه و عجب)؛ و (۴) ساحت اجتماعی (نمود تملق و ترس از غیر خدا). نتیجه آنکه شرک خفی، آفتی نظام‌مند است که از ضعف در «توحید افعالی» نشأت گرفته و به فساد در قلب و عمل می‌انجامد. در اندیشه امام خمینی، علاج شرک خفی فرآیندی تدریجی و سلوکی است که با تحقق توحید افعالی و اصلاح خطاهای معرفتی آغاز می‌شود و با مراقبت‌های عملی همچون اخلاص نیت، مجاهده با نفس، ترک ریا و وارستگی قلبی تداوم می‌یابد. نتیجه این فرآیند، تحقق اخلاص وجودی و پالایش انگیزه‌های عبادی از هرگونه اعتماد و تعلق به غیر خداست.

کلیدواژگان: شرک خفی، امام خمینی، توحید افعالی، اخلاق عرفانی، گونه‌شناسی، ریا.

* دکتری عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. e.najari58@gmail.com

بخش اول: مقدمه

۱-۱. تبیین مسئله و اهمیت موضوع

• تبیین مسئله

تحقق «توحید» غایت ادیان ابراهیمی است، اما «شرک خفی» به عنوان پیچیده‌ترین مانع این مسیر، حتی بر اهل معرفت نیز پوشیده می‌ماند؛ چنان‌که در لسان روایات، پنهان‌تر از «جنبش مورچه در شب تاریک» توصیف شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص. ۱۵۸). امام خمینی با رویکردی هستی‌شناختی و روان‌شناختی، فراتر از احصای مصادیق، ردائلی چون «انانیت»، «ریا» و «اتکا به غیر» را تجلیات انحراف در «توحید افعالی» می‌داند. با این حال، پژوهش‌های پیشین عمدتاً به فهرست‌نگاری پراکنده اکتفا کرده و از تبیین ساختار درونی این مفهوم غفلت ورزیده‌اند. «مسئله اصلی» این پژوهش، پاسخ به این «خلاء تحلیلی» از طریق ارائه یک «گونه‌شناسی نظام‌مند» است؛ ساختاری که بتواند ارتباط ارگانیک میان ریشه‌های نظری (پندار استقلال)، انگیزه‌های قلبی (حب نفس) و نمودهای رفتاری شرک خفی را در منظومه فکری امام خمینی تبیین و واکاوی نماید.

• اهمیت و ضرورت موضوع

ضرورت واکاوی این مسئله در سه ساحت اصلی قابل تبیین است:

اهمیت نظری: پر کردن شکاف پژوهشی موجود از طریق ارائه یک «گونه‌شناسی منسجم» که پیوند عمیق و ارگانیک میان مبانی عالی عرفانی (نظیر توحید افعالی) و جزئیات نظام اخلاقی در اندیشه امام خمینی را آشکار می‌سازد.

اهمیت سلوکی: کارکرد این پژوهش به مثابه یک «ابزار تشخیصی» برای سالکان، جهت شناسایی لغزشگاه‌های پنهان نفس و دستیابی به مقام اخلاص.

اهمیت اجتماعی: آسیب‌شناسی ریشه‌های ناهنجاری‌هایی چون تملق، فساد و انفعال اجتماعی به عنوان تجلیات عینی اعتماد به غیر خدا.

بنابراین، این پژوهش فراتر از یک تحلیل انتزاعی، نقشه‌ی راهی جهت اصلاح نفس و نیل به «توحید خالص» در ابعاد فردی و اجتماعی ترسیم می‌کند.

۲-۱. پیشینه تحقیق

موضوع اخلاق و عرفان در اندیشه امام خمینی از دیرباز مورد توجه پژوهشگران بوده و آثار متعددی در این حوزه سامان یافته است. با بررسی منابع موجود، می‌توان آن‌ها را در دو دسته کلی طبقه‌بندی کرد:

۱. پژوهش‌های کلی و جامع در باب نظام اخلاقی-عرفانی امام خمینی

این دسته از پژوهش‌ها به تبیین مبانی، اصول و ساختار کلی منظومه اخلاقی و عرفانی امام خمینی می‌پردازند. برای تحلیل این حوزه، توجه به آثار مادر و کلاسیک اخلاق و عرفان اسلامی نیز ضروری است؛ زیرا امام خمینی در امتداد این سنت سلوکی قابل فهم است. در این زمینه می‌توان به آثاری همچون: *قوت‌القلوب فی معامله‌المحسوب* (ابوطالب مکی)، *احیاء علوم‌الدین و کیمیای سعادت* (ابوحامد غزالی)، *تذکره‌الأولیاء* (فریدالدین عطار) *کشف‌الأسرار* و *عده‌الأبرار* (رشیدالدین میبیدی) اشاره کرد؛ آثاری که مباحثی همچون تزکیه نفس، اخلاص، زهد، مجاهده، مراقبه و محبت الهی را به‌عنوان ستون‌های اصلی سلوک معرفی کرده‌اند و فضای معنوی‌ای را شکل می‌دهند که اندیشه اخلاقی امام خمینی در امتداد آن بسط یافته است.

در حوزه منابع معاصر و متمرکز بر اندیشه امام، آثاری همچون: *منظومه فکری امام خمینی* (عبدالحسین خسروپناه)، *بنیان مرصوص امام خمینی در بیان و بنان آیت‌الله جوادی آملی*، *سیری در ساحل: بینش و منش حضرت امام خمینی اثر آیت‌الله مصباح یزدی*، *سیره آفتاب* از دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، و مجموعه مقالاتی درباره جهاد اکبر، معرفت نفس، توحید، مراقبه و اخلاص در آثار امام، در این گروه جای می‌گیرند. با وجود ارزش بسیار این آثار، اغلب آن‌ها ماهیتی کلی‌نگر داشته و به‌صورت متمرکز و گونه‌شناسانه به بحث «شرک خفی» نپرداخته‌اند.

۲. پژوهش‌های موضوعی درباره رذایل اخلاقی و شرک خفی در اندیشه امام خمینی

پژوهش‌های مرتبط با شرک خفی را می‌توان در آثاری مشاهده کرد که یا بر رذایل اخلاقی مشخص تمرکز دارند یا به‌طور مستقیم به خود مفهوم شرک خفی پرداخته‌اند. دسته نخست شامل پژوهش‌هایی است که هر رذیله را به‌صورت موضوع‌محور بررسی کرده‌اند؛ مانند «*فضایل و رذایل اخلاقی از دیدگاه قرآن و روایات*» نسرين مهدوی، «*ریا و عجب از دیدگاه امام خمینی*» سیداحمد فهری‌زنجانی و «*روش‌های درمان رذایل اخلاقی*» محمدرضا فریدونی. این آثار، با وجود دقت تحلیلی، رذایل را به شکل گسسته و بدون تبیین ارتباط ساختاری میان آن‌ها مطالعه می‌کنند و در نتیجه، کمتر به پیوند این رذایل با یک ریشه واحد یعنی «شرک خفی» پرداخته‌اند. در سوی دیگر، برخی پژوهش‌ها مستقیماً به شرک خفی پرداخته‌اند؛ مانند نوشتار علی محمدخانی با عنوان «*شرک افعالی، شرک خفی مؤمنان*» و مقاله سعید وحیدی‌مهر درباره «*تمایز میان شرک جلی و شرک خفی*».

این پیشینه نشان می‌دهد که با وجود غنای منابع کلاسیک و پژوهش‌های متعدد درباره اخلاق و عرفان امام خمینی، مسئله «شرک خفی» هنوز فاقد یک تحلیل ساختارمند و گونه‌شناسانه است. آثار موجود یا کلی‌اند یا تک‌موضوعی و فاقد ارتباط سیستمی میان رذایل مرتبط با شرک خفی. ازاین‌رو، پژوهش حاضر دقیقاً بر خلأی

دست می‌گذارد که تاکنون پوشش داده نشده و تلاش می‌کند یک چارچوب تحلیلی منسجم برای فهم این مفهوم کلیدی ارائه دهد.

جایگاه و نوآوری پژوهش حاضر

این پژوهش با شناسایی «خلأ اصلی» در مطالعات پیشین - که عمدتاً توصیفی، کلی‌گو یا فاقد نگاه سیستمی بوده‌اند - جایگاه خود را تعریف می‌کند. نوآوری تحقیق، فراتر رفتن از فهرست‌نگاری صرف و ارائه یک «گونه‌شناسی تحلیلی و چهاربعدی» برای اولین بار است.

این مدل نظام‌مند نشان می‌دهد چگونه یک خطای بنیادین در «بینش» (پندار استقلال غیر خدا)، به انحراف در «گرایش» (حب نفس) و نهایتاً به تباهی در «کنش» (ریا و تملق) منجر می‌شود. این رویکرد ساختاری، وجه تمایز اصلی پژوهش بوده و به فهمی منسجم و کاربردی از این مفهوم کلیدی در اندیشه امام خمینی می‌انجامد.

۱-۳. سوالات و فرضیه‌های تحقیق

این پژوهش در تلاش است تا با ارائه یک تحلیل نظام‌مند، به پرسش‌های زیر پاسخ دهد و فرضیه‌های متناظر با آن‌ها را مورد آزمون قرار دهد.

سؤال اصلی:

مصادیق گوناگون و متکثر «شرک خفی» در منظومه عرفانی و اخلاقی امام خمینی چگونه در یک «چارچوب تحلیلی و گونه‌شناختی منسجم» قابل دسته‌بندی و تبیین هستند؟

سوالات فرعی:

۱. مبانی «نظری و معرفتی» شرک خفی در اندیشه امام خمینی و نحوه تجلی آن در نظام باورها چیست؟
۲. شاخص‌ترین مظاهر «روان‌شناختی و قلبی» این پدیده به مثابه حجاب‌های درونی سلوک کدامند؟
۳. شرک خفی چگونه ماهیت و خلوص «مناسک عبادی» (اعم از فردی و جمعی) را دچار آسیب می‌سازد؟
۴. نمودهای عینی «اجتماعی و رفتاری» شرک خفی در بستر تعاملات انسانی چه مصادیقی دارند؟

فرضیه اصلی:

مصادیق شرک خفی در منظومه فکری امام خمینی، نه مؤلفه‌هایی گسسته، بلکه اجزای یک «گونه‌شناسی نظام‌مند چهاربعدی» هستند که در ساحت‌های «هستی‌شناختی» (پندار استقلال)، «روان‌شناختی» (انانیت)، «عبادی» (ریا) و «اجتماعی» (تملق و اعتماد به غیر) قابل تبیین و تحلیل‌اند.

فرضیه‌های فرعی:

۱. ریشه معرفتی: بنیاد نظری شرک خفی، «انحراف در فهم توحید افعالی» و نسبت دادن استقلال به اسباب مادی است.

۲. تجلی قلبی: خطرناک‌ترین تبلور درونی شرک خفی، «انانیت» (خودپرستی) است که به عنوان «ام‌الردائل»، سرمنشأ حجاب‌های سلوکی دیگر می‌باشد.

۳. نمود عبادی: در ساحت عمل، شرک خفی عمدتاً در قالب «ریا و سمعه» ظاهر می‌شود که به بطلان عبادت و نفاق عملی می‌انجامد.

۴. بروز اجتماعی: در بُعد رفتاری، این انحراف به شکل «تملق»، «ترس از غیر خدا» و ترجیح رضایت مخلوق بر خالق بروز می‌کند.

۴-۱. روش تحقیق و ساختار مقاله

پژوهش حاضر با ماهیت «کیفی» و روش «توصیفی-تحلیلی»، بر پایه مطالعات «کتابخانه‌ای» در آثار شاخص امام خمینی (نظیر شرح چهل حدیث و آداب الصلاة) سامان یافته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها مبتنی بر «تحلیل محتوای کیفی» است که طی آن، گزاره‌های مرتبط استخراج و در چارچوبی نوآورانه و نظام‌مند طبقه‌بندی شده‌اند.

ساختار مقاله با سیری منطقی از مبانی انتزاعی به مصادیق عینی، در هفت بخش تنظیم شده است: ۱. مقدمه ۲. مبانی نظری (هستی‌شناختی) ۳. ابعاد قلبی (روان‌شناختی) ۴. ابعاد عبادی (سلوکی) ۵. بازتاب‌های اجتماعی (رفتاری) ۶. راهکارها ۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.

بخش دوم: مبانی نظری

۲-۱. پندار استقلال در موجودات

• پندار استقلال ذاتی

بر اساس اندیشه امام خمینی، شرک خفی به معنای «اعتماد بر اسباب و رکون بر غیر حق» (امام خمینی، ۱۳۸۰، ص. ۳۲۷)، حتی در ساحت اندیشه و ادراک، از حجاب‌های عمیق مسیر توحید است. یکی از بارزترین مصادیق آن، پندار استقلال ذاتی نفس یا عالم است؛ حالتی که در آن، انسان یا سایر موجودات به‌عنوان موجوداتی مستقل از اراده و تدبیر الهی تصور می‌شوند.

امام این نگرش را گرفتارشدن در «حجاب کثرت افعالی» می‌داند؛ وضعیتی که ادراک انسان در مرتبه تکثر باقی مانده و فاعلیت موجودات را به‌طور مستقل مشاهده می‌کند. پیامد چنین بینشی، شکل‌گیری باور به «تفویض» - یعنی واگذاری حقیقی امور به غیر خدا - است که در منطق توحیدی وی، مصداق روشن شرک خفی و حتی از

مراتب «شرک اعظم» به شمار می‌آید. از منظر امام، این پندار امتداد همان انحرافی است که در سرکشی ابلیس ریشه دارد و ادامه آن به پرستش «بت نفس» و دوری از حضور قلبی در محضر حق می‌انجامد. بدین ترتیب، نفی مطلق هرگونه استقلال ذاتی از غیر خداوند، شرط اساسی سلوک توحیدی است (امام خمینی، ب ۱۳۷۸، صص. ۱۳۴ و ۱۷۲).

• مشاهده ممکنات به چشم استقلال

امام خمینی در تبیین سیر معنوی حضرت ابراهیم^(ع)، گذر آن حضرت از مراتب قمر و شمس را نماد عبور کامل از عالم طبیعت و مظاهر امکانی تفسیر می‌کنند. از منظر ایشان، حضرت ابراهیم^(ع) دریافت که تمام این مظاهر صرفاً «نمود بود» بوده و فاقد هرگونه جمال ذاتی هستند؛ وجودشان در حقیقت، وجودی «آفل» و رو به زوال است، و در افق عالم امکان، همه موجودات در افول و فنا قرار دارند.

به تعبیر امام، هنگامی که حضرت ابراهیم^(ع) همه موجودات امکانی را آفل دید و در سراسر عالم امکان جز زوال نیافت، آنها را نفی کرد و توجه خویش را به مبدأ فاطر آسمان‌ها و زمین معطوف ساخت، چنان‌که در آیه شریفه آمده است: «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام: ۷۹).

امام خمینی نتیجه می‌گیرند که درک و مشاهده ممکنات به‌عنوان موجوداتی مستقل و دارای ثبوت ذاتی، خود نوعی شرک است؛ زیرا وجود آنها، «وجود آفل» و وابسته به قیام حق تعالی است. از این رو، مشاهده ممکنات به چشم استقلال، گرچه در لایه‌ای لطیف و غیرآشکار، از مصادیق بارز شرک خفی در مرتبه معرفت شهودی توحید قلمداد می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص. ۵۳)

• اعتقاد به تجلی حق و خفای جهان

امام خمینی در نقد فرازهایی از دیدگاه محیی‌الدین ابن عربی در *الفتوحات المکیه*، به بررسی یکی از مصادیق ظریف شرک خفی می‌پردازند. ابن عربی در عبارتی تصریح می‌کند: «جهان غیب است و هرگز ظاهر نشده است، و حق آشکار است و هرگز پنهان نبوده است.» وی در ادامه دیدگاه رایج مردم را که حق تعالی را غیب و جهان را ظاهر می‌دانند، خطا قلمداد می‌کند. امام خمینی با نگاهی نقادانه به این بیان ابن عربی، تصریح می‌کنند که وی از لوازم «شرک ذاتی» در ادعای خویش غفلت کرده است؛ زیرا حکم به «تجلی حق تعالی» در عین «خفای عالم» به معنای اثبات نحوی دوگانگی بین حق و خلق است. این نحوه تلقی اگر در چارچوب عرفانی و ذوقی بیان شود از دیدگاه امام، مصادیقی بارز از شرک خفی است، چرا که حقیقت توحید ایجاب می‌کند که نه‌تنها همه مراتب ظهور، بلکه همه مراتب خفا نیز به نحو قیام کامل به ذات حق وابسته باشد.

از منظر امام، ایمان حقیقی مستلزم آن است که خداوند را در آن واحد «ظاهر و باطن» و «شاهد و غایب» دانسته و از هر گونه حدگذاری مفهومی که ذات الهی را در یکی از این تعینات محصور کند، پرهیز شود. به بیان

ایشان، جوینده حقیقت اگر در باطن به دنبال او رود، او ظاهر است؛ اگر در ظاهر جست‌وجو کند، او باطن است؛ و اگر از هر دو طریق بجوید، او از هر دو تعین مبراست. بر این مبنا، جهان نه مستقل از حق آشکار است و نه در ذات خود پنهان؛ بلکه هر ظهور آن قائم به فیض و حضور حق تعالی است و هر خفا و بطون آن در پرتو احاطه ذاتی اوست. امام خمینی این نگرش را «باب عظیم» و مدخلی اساسی به حوزه توحید می‌نامد و تصریح می‌کند که رهایی از این گونه شرک، میسر نیست مگر آن که سالک کل عالم را در ذات، صفات و مقامات، قائم به ذات حق مشاهده نماید؛ و این، مرتبه‌ای است که امام آن را «توحید کامل» می‌خوانند. (امام خمینی، الف ۱۳۷۸، ص. ۱۹)

۲-۲. شرک در علّیت و تأثیر

• اتکا به اسباب مادی در یادآوری‌ها

امام خمینی در *آداب/الصلوة*، با استناد به روایتی از امام جعفر صادق^(ع) (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۹، ص. ۹۶) برخی از رفتارهای ظاهراً عادی و فاقد بار اعتقادی را در سطحی لطیف، مصداق «شرک خفی» ارزیابی می‌کنند. ایشان، به نقل از آن حضرت، بیان می‌دارند که: «شرک، پنهان‌تر از حرکت مورچه بر روی سنگ صاف در شب تاریک است» و از جمله مصداق آن، چرخاندن انگشتر به منظور یادآوری یک حاجت یا کار و نمونه‌های مشابه است. امام خمینی با تکیه بر این روایت، چنین اعمالی را - با وجود آن که ممکن است در سطح ظاهر امری بی‌ضرر و حتی عقلایی جلوه کنند - به سبب اتکا به اسباب مادی برای حفظ یاد و غفلت از مسبب‌الاسباب، در افق عرفانی شرک خفی می‌دانند (امام خمینی، ب ۱۳۷۸، ص. ۲۷۷). در این نگاه، مشکل اصلی در آن است که قلب انسان، هرچند به نحوی غیرالتفاتی، اثر بنیادی را به غیر خدا نسبت دهد و برای آن، نقشی مستقل - در حد واسطه‌گری - فرض کند.

بر این اساس، رفتارهایی همچون استفاده از انگشتر یا ابزار مشابه برای یادآوری، اگر به غفلت از یاد الهی و تکیه قلبی بر علت ظاهری بینجامند، نه تنها از مراتب عالی توحید فاصله دارند، بلکه در منطق توحید ناب، مصداق از شرک مستور و لطیف به شمار می‌آیند که تشخیص آن نیازمند دقت عرفانی و تربیت ایمانی است.

• هرگونه نسبت دادن اثر به غیر حق

ریشه «نسبت دادن اثر به غیر حق»، انحراف از اصل محوری «توحید افعالی» است که زیربنای منظومه فکری امام خمینی را تشکیل می‌دهد. این انحراف زمانی رخ می‌دهد که انسان به دلیل گرفتار شدن در «پندار استقلال ذاتی عالم»، فاعلیت حقیقی را به غیر خدا نسبت داده و برای اسباب و علل، تأثیری مستقل از اراده الهی قائل شود. این همان «اتکا به غیر خدا» است که در مقدمه پژوهش به عنوان یکی از تجلیات کلیدی شرک خفی معرفی شده است. امام خمینی این مسئله را با مثال زدن اعمال حج به اوج دقت می‌رساند و هشدار می‌دهند که اگر هر

حرکتی، وقوفی یا سعی و طوافی با «تکیه بر سبب‌های مستقل از حق» همراه شود، از مسیر توحید خارج شده است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، صص. ۲۲ - ۲۳). بنابراین، نسبت دادن اثر به غیر حق، به معنای نقض عملی شعار «لَا مُؤَثَّرَ فِي الْوُجُودِ إِلَّا اللَّهُ» است؛ چه این اثر، شفای یک بیماری باشد، چه پیروزی در یک نبرد، و چه به ثمر نشستن یک عبادت. این شرک در فاعلیت، بزرگ‌ترین مانع درک وحدت حاکم بر هستی است.

بخش سوم: روان‌شناسی شرک خفی

۳-۱. انانیت و خودمداری

• انیت و انانیت

در تحلیل عرفانی و اخلاقی امام خمینی، «انیت» به معنای قائل شدن هستی برای «من» و «انانیت» به معنای ظهور و برجسته‌سازی آن در ساحت عمل است. این دو حالت، حتی اگر در ظاهر عباداتی همچون جهاد نمود یابند، به دلیل آنکه در باطن، نسبت فاعلیت و اثر را به «نفس» منتقل می‌کنند، مصداق «شرک خفی» محسوب می‌شوند. در مقابل، توحید ناب و مقام «فناء فی الله» زمانی محقق می‌شود که هیچ شائبه‌ای از «من» باقی نماند و تمام نسبت‌ها مستقیماً به اراده الهی بازگردد.

در این منظومه فکری، حج جایگاه ویژه‌ای دارد؛ اما دستیابی به مراتب معنوی آن در گرو انجام دقیق و مو به موی مناسک ظاهری است. این دقت در «قالب»، مقدمه‌ای است برای آنکه سالک از «خودِ موهوم» - که ریشه اصلی شرک است - به سوی حق هجرت کند. بنابراین، حج حقیقی تنها طواف جسمانی نیست، بلکه طواف قلب پیرامون توحید و قربانی کردن آخرین بقایای «خودیت» است تا حقیقت «لا شریک له» در وجود سالک مستقر شود (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، صص. ۲۵ - ۲۶).

امام خمینی برای تبیین دقیق این مراتب، به بازخوانی عرفانی ماجرای ذبح اسماعیل^(ع) می‌پردازد و برداشتی فراتر از مفهوم رایج «ایثار» ارائه می‌دهند. در نگاه عمومی، تسلیم ابراهیم و اسماعیل^(ع) نهایت فداکاری است؛ اما از منظر توحیدی امام، «ایثار» هنوز دال بر وجود دوگانگی میان «من» (ایثارگر) و «غیر» است و در آن، فاعل عمل را - هرچند برای خدا - به خود نسبت می‌دهد. این نسبت‌سنجی، خود نشانه‌ای از بقای انیت و شرک خفی است.

به باور ایشان، ابراهیم و اسماعیل^(ع) در آن مقام خالص، هیچ «من» و «تو» مستقلی نمی‌دیدند و نه در پی تقدیم تحفه، بلکه خود را مجرای محض اراده حق می‌یافتند. در این افق، حتی تصور «من جان دادم» انحراف از توحید است؛ چراکه با آیه «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ» (انفال: ۱۷) که نفی مطلق فاعلیت استقلالی انسان است، منافات دارد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، صص. ۴۸ - ۴۹).

امام معیار اسلام حقیقی را «تسلیم مطلق» در برابر اراده الهی و خروج کامل از مراتب لطیف شرک می‌دانند. ایشان بر اساس آیه ۱۶۲ سوره انعام، تأکید دارند که تا انسان به مرتبه فناء فی‌الله نرسد و هیچ حیثیت استقلالی برای خویش قائل نباشد، نه اسلام به معنای حقیقی‌اش حاصل می‌شود و نه ورود به صف «اهل معرفت» معنایی خواهد داشت (امام خمینی، پ ۱۳۷۸، ص. ۷۸).

• غرور پس از پیروزی در جهاد

امام خمینی در پیامی خطاب به رزمندگان جبهه‌ها، پشتیبانان آنان، جانبازان، خانواده‌های شهدا و تمامی افراد فعال در پشتیبانی دفاع مقدس، بر خطر نفوذ غرور ناشی از پیروزی‌ها، شهرت‌ها و جلوه‌های جوانمردی هشدار می‌دهند. وی این حالت را از آفات نفسانی و دام‌های شیطان می‌داند که با ایجاد غفلت از مبدأ همه نعمت‌ها، بندگان را از توجه تام به خداوند باز می‌دارد.

از منظر امام، این غرور نه تنها یک لغزش اخلاقی، بلکه مصداقی از شرک خفی است؛ زیرا به واسطه‌ی آن، انسان اثر و کارآمدی را به خود، توان شخصی یا جایگاه اجتماعی نسبت می‌دهد، نه به خداوند متعال. این انحراف، طبق بیان ایشان، انسان را از عبودیت حق به‌سوی پرستش «بت‌ها»، و در رأس آن «بت نفس»، سوق می‌دهد.

ایشان با استناد به آیه‌ی «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» (انفال: ۱۷)، تصریح می‌کنند که ولی نصر تنها خداست و هیچ پیروزی، توفیق یا موفقیتی جز به اراده و قدرت او محقق نمی‌شود. عبارت عرفانی «ما عدم‌هایم، هستی‌ها نما» نیز بیانگر توصیف عمیق او از هستی‌شناسی عرفانی است؛ که در آن، همه موجودات فاقد وجود مستقل‌اند و تنها جلوه‌گر وجود حق هستند. بر این اساس، غرور پس از پیروزی در جهاد، وقتی به خود یا غیر خدا نسبت داده شود، در چارچوب تحلیل معرفتی - اخلاقی امام خمینی، از مصادیق بارز شرک خفی محسوب می‌شود (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، صص. ۱۴۸ - ۱۴۹).

۳-۲. شرک در محبت و تعلقات

• تبعیت از هواهای نفسانی

امام خمینی در دستگاه معرفتی و اخلاقی خود، تبعیت از هواهای نفسانی را نه صرفاً یک لغزش اخلاقی، بلکه از مصادیق بارز شرک خفی می‌داند. این نگرش بر این پیش‌فرض عرفانی و قرآنی استوار است که هرگونه اطاعت درونی و عملی از خواست‌های متعارض با اراده الهی، نوعی پذیرش اقتدار و مرجعیت غیرخدایی در حاکمیت بر ساحت وجود انسان است؛ امری که در حقیقت، نقض توحید عملی و فرو افتادن در دام شرک پنهان به‌شمار می‌آید. ایشان در دعایی خطاب به پروردگار، این نکته را در پیوند با خطرات شرک آشکار و پنهان بیان کرده و می‌فرمایند:

«بارالها، ما ضعیف و ناتوانیم، تو به فضل خود ما را از شرک جلی و خفی حفظ فرما؛ و از تبعیت هواهای نفسانی - که خود شرک است - نجات مرحمت فرما؛ و به حقیقت توحید و یکتاپرستی و یکتاخواهی هدایت فرما» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص. ۱۴۹).

بر این اساس، از منظر امام، مبارزه با هواهای نفسانی نه یک وظیفه ثانویه، بلکه بخشی اساسی از مسیر پالایش نیت و تحقق توحید ناب است؛ مسیری که بدون آن، رهایی از شرک خفی ناممکن خواهد بود. (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص. ۱۴۹)

• حرص

امام خمینی در شرح حدیث جنود عقل و جهل، حرص را به عنوان نقطه مقابل توکل معرفی می کنند؛ ردیلتی که نه تنها منشأ بسیاری از مفاسد اخلاقی و معرفتی است، بلکه از مهم ترین دام های ابلیس برای اغوای بنی آدم به شمار می آید، به طوری که کمتر امری به این اندازه در آدمی تأثیر گذار است. از منظر ایشان، ریشه حرص در جهل به حق تعالی، توحید، اسماء و صفات الهی، و مجاری قضا و قدر قرار دارد. فرد حریص، به سبب این جهل ترکیبی، از قدرت و نعمت های بی پایان خداوند غافل شده و در منطق اهل معرفت، در مرزهای شرک و حتی کفر قرار می گیرد. این پدیده، به سبب اتکا به اسباب ظاهری و پیروی از تمایلات نفس برای تحصیل فزون تر، نافی حقیقت توحید افعالی است و لذا از مصادیق بارز شرک خفی محسوب می شود. (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۲۲۵).

امام، حرص را در زمره جنود جهل جای می دهند، زیرا تمام مبانی و مقدمات آن بر جهل استوار است. به تعبیر ایشان، جهل نوعی «احتجاب فطرت» است و حرص، لازمه این فطرت محجوبه. بدین سان، حرص نه تنها یک عادت ناپسند اخلاقی، بلکه یک ساختار فکری-روانی معارض با توکل و تسلیم در برابر اراده الهی است که پرده بر چهره فطرت توحیدی می افکند.

• توجه به کثرات و تعینات و غایات غیر الهی

امام خمینی در تحلیل فلسفی - عرفانی خویش، منشأ اساسی بسیاری از لغزش های انسان در مسیر توحید را انصراف قلب از وحدت مطلقه و اشتغال به کثرات می دانند. به اعتقاد ایشان، کیفیت اکل از شجره و اغوای شیطانی حضرت آدم^(ع) معنایی فراتر از سطح ظاهر روایات داشته و بر اساس تفسیر اهل معرفت، ناظر بر انحراف از توجه کامل به محبوب حقیقی است. خطای آدم، توجه به کثرات اسماء و سپس به لوازم آن اسماء بود که موجب قطع نظر از ذات محبوب گردید. این توجه به غیر، در پیشگاه صاحبان سلطنت محبت مکروه و برخلاف قانون عشق الهی است. از این منظر، شجره ای که آدم از آن اکل کرد، شجره کثرات بود که اصل آن به عالم طبیعت و هیولای اولی بازمی گردد؛ عالمی که در آن، تعینات گویی به استقلال می رسند، صور گوناگون شرک پدید می آید و نمودهای عدمی به گونه ای وانمود می کنند که گویا واقعیت دارند (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳، صص. ۱۱۹-۱۲۰).

این اصالت بخشی به کثرات، از منظر امام، محدود به مظاهر مادی یا تعینات طبیعی نیست، بلکه حتی توجه به آیات و اسماء الهی به مثابه مقاصد مستقل، یا عبادت به انگیزه های غیرالهی همچون طلب بهشت یا ترس از جهنم نیز می تواند مصادیقی ظریف از شرک خفی باشد. ایشان در شرح دعای «حتی تکنون أعمالی و أوردی کلها ورداً واحداً» (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ج ۳، ص. ۳۳۶) توضیح می دهند که وحدت حقیقی ذکر و ورد بدین معناست که تمامی اذکار و اعمال، خواه «سبحان الله» باشد یا «لا اله الا الله»، از منشأ و غایتی واحد یعنی عبودیت محض ذات اقدس حق تعالی صادر شود؛ چنان که امیرالمؤمنین (ع) فرموده اند: «و لم أشرک بالله طرفه عین» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص. ۳۱۰).

امام خمینی این مرتبه را از دشوارترین مقامات سلوک دانسته و تصریح می کنند که انسان ها غالباً در انواع اوراد متنوع و چندگانه غرق اند: ذکر فرزند، ذکر خانواده، ذکر خانه و ریاست، ذکر خودخواهی، مال و جاه، و حتی در مقامات بالاتر، ذکر بهشت و نعمت های آن، یا یاد رهایی از آتش دوزخ. به باور ایشان، آن کس که حقیقت «ورد واحد» را محقق ساخته باشد، در دنیا جز پرستش خداوند چیزی طلب نکند؛ دارایی هایش صرفاً در راه دوست به کار رود؛ خانواده و فرزندان را تنها در مسیر عبادت حق بخواهد؛ و همه آرمان هایش بر محور برپایی کلمه «لا اله الا الله» استوار باشد. چنین سالکی صفحه دل را از آغاز تا انجام بر نور واحد الهی معطوف ساخته، رنگ توحید بر تمام ابعاد وجودش نشسته، و از هر شائبه تعلق به غیر مبرا گردیده است (همان، ج ۳، صص. ۲۳۰-۲۳۱).

این تحلیل، نشان می دهد که در منطق امام خمینی، شرک خفی صرفاً محدود به وابستگی های آشکار مادی نیست، بلکه شامل هر گونه جهت گیری قلبی و عملی به سوی غیر، ولو در قالب مقاصد معنوی یا اخروی، می شود. تحقق «ورد واحد» و انقطاع کامل از کثرات، شرط اساسی وصول به مقام توحید ناب و صبغه کامل الهی در جان سالک است.

• اشتغال به غیر

امام خمینی در تبیین مراتب شرک، «اشتغال قلب به غیر خدا» را یکی از مصادیق شرک خفی معرفی می کنند. به باور ایشان، سالکی که مدعی انس و قرب به پروردگار است، باید قلب خویش را از هر گونه توجه و تعلق به غیر خداوند خالی سازد؛ چراکه چنین اشتغالی، حجاب معرفتی و شهودی میان انسان و «جمال جمیل الهی» ایجاد می کند. امام، این توجه به غیر را نه تنها مانعی در مسیر توحید، بلکه نوعی آلودگی معنوی و تحقق عینی شرک دانسته و آن را با قذارت روحی برابر می دانند (امام خمینی، ب ۱۳۷۸، ص. ۱۰۶).

۳-۳. دگرخواهی و شرک در اعتماد

• اعتماد به خلق

امام خمینی «اعتماد به خلق» را نه تنها مصداق بارز شرک خفی، بلکه نزد اهل معرفت، از سنخ شرک جلی می‌دانند و بر این باورند که تطهیر این حالت جز با تحقق توحید فعلی حق جلّ و علا - که سرچشمه تمامی طهارات قلبی است - امکان‌پذیر نیست (امام خمینی، ب ۱۳۷۸، صص. ۹۲-۹۳). از نظر ایشان، کسی که «مردمان ضعیف و عاجز» را در عالم تحقق مؤثر و در مملکت حق متصرف بداند، ناگزیر در پی جلب قلوب آنان می‌رود و عمل خود را به آفت ریا و حتی «قدس‌فروشی» آلوده می‌سازد. چنین نگرشی، به تعبیر امام، میراث ابلیس است که خود را متصرف می‌پندارد و فریاد لَأُغْوِيَنَّهُمْ سر می‌دهد (همان، ص. ۱۷۲).

ایشان میان استعانت ظاهری از مخلوقات در امور مباح - آن گونه که در سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) و مسلمانان صدر اسلام مرسوم بوده - و اعتماد وجودی به آنان تفکیک می‌کنند. بر مبنای توحید فعلی، عارفان صاحب‌مشاهده نظام هستی را سراسر جلوه فاعلیت حق دانسته و «لامؤثر فی الوجود إلا الله» را یا به برهان یا به عیان یافته‌اند. در این نگرش، همه اعانت‌های موجودات عین اعانت الهی است و نسبت دادن افعال مشترکی چون خلق، رزق، احیا و اماته به غیر حق، شرک محسوب می‌گردد؛ امری که در روایات با عنوان «شرک خفی» یاد شده است (همان، صص. ۲۷۶-۲۷۷).

از دیدگاه امام خمینی، دلبستگی قلبی به غیر خدا از مصادیق آشکار شرک خفی و اخفی است (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص. ۵۲۱). ایشان چشم امید داشتن به غیر را نیز شرک می‌دانند و یادآور می‌شوند که همه کمالات و توانایی‌ها منحصر به خداست و مخلوقات «میان‌تهی، پوچ و هیچ» اند؛ بنابراین باک از غیر او، کفر است (همان، ج ۲۰، ص. ۴۳۷). در همین راستا، «طمع به غیر حق و امیدواری به مخلوق» از منظر امام، شعبه‌ای از شرک و نتیجه وسوس ابلیس و نشانه احتجاج انسان از حق است (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۱۹۶).

بنابراین ایشان ریشه اصلی شرک را در «عدم تسلیم مطلق روح به ولیّ مطلق» می‌دانند. اگر روح به کلی تسلیم اراده حق شود، تمام مراتب وجود - اعم از اعضای ظاهری و قوای باطنی - نیز در مقام تسلیم کامل قرار خواهند گرفت، به گونه‌ای که هیچ حرکت یا سکونی از سر خودی و انانیت صادر نگردد و تمام قبض و بسط‌ها در تحت اراده الهی انجام پذیرد (همان، ص. ۴۰۷). بدین سان، در نظام فکری امام خمینی، اعتماد به خلق نه یک لغزش رفتاری ساده، بلکه انحرافی معرفتی - قلبی است که تنها با انقطاع از غیر و تحقق توحید فعلی می‌توان از آن رهایی یافت.

• توکل و توکیل و وکیل

امام خمینی در تبیین مراتب سیر ایمانی، به مرحله‌ای اشاره دارند که فراتر از ایمان همراه با طمأنینه و اطمینان قلبی است. در این مرحله اولیه، هرچند اضطراب و تزلزل از قلب رخت برمی‌بندد و سالک ساکن در تصرف الهی می‌شود، اما هنوز از منظر حقیقت توحید، در عرصه کثرت قرار دارد؛ زیرا برای غیر حق، هرچند به نحو محدود، سهمی از تصرف و دخالت قائل است (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۲۱۳).

با عبور از این مرتبه، سالک به نور معرفت، پرتوی از توحید فعلی را می‌یابد و در نتیجه، نقش و تأثیر سایر موجودات را به طور کامل نفی کرده، دیده قلبی‌اش از مشاهده غیر کور و تنها به وکالت مطلقه حق تعالی گشوده می‌شود. پس از این، در مرتبه‌ای بالاتر، شهود حضوری جلوات توحید بر او مکشوف شده و حقیقت علل توکل برایش روشن می‌گردد؛ بدین معنا که توکل، در باطن خود، اثبات نوعی امر و تمسک به قدرتی غیر از ذات حق برای جریان امور شخصی است، هرچند منبع قدرت را الهی بداند؛ در حالی که در توحید کامل، حتی چنین واسطه‌پنداری نیز زائد است.

در این مقام، سالک نه تنها از مفهوم متعارف توکل فراتر می‌رود، بلکه توکیل و حتی وکالت را نیز نشانه‌ای از نقص می‌شمرد که در افق معرفتی مقربان، رنگی از شرک لطیف دارد. این همان معنای حدیث نبوی است که «حَسَنَاتُ الْأَبْرَارِ سَيِّئَاتُ الْمُقَرَّبِينَ» (اربلی، ۱۳۸۱ ق، ج ۲، ص. ۲۵۴). از این رو، ماندن در مقام توکل و توکیل، هرچند در مراتب پایین‌تر، فضیلت است، اما برای عارفان کامل، به منزله پرده‌ای است که باید در سیر به سوی توحید ناب، از میان برداشته شود (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۲۱۳).

بخش چهارم: پدیدارشناسی شرک در ساحت عبادت و سلوک

۴-۱. آفات اخلاص

• اذخال رضای غیر حق در عبادات

در منظومه فکری امام خمینی، ریا مهلک‌ترین آفت در دو ساحت «عقاید» و «عبادات» است. در اصول عقاید، اگر اظهار ایمان با باور قلبی همراه باشد اما صرفاً به انگیزه کسب منزلت اجتماعی ابراز شود، مصداق «شرک خفی» و معاوضه نور ایمان با ظلمت کفر است (امام خمینی، ۱۳۸۰، صص. ۳۵-۳۷). در ساحت عمل نیز، با استناد به اصل روایی «کُلُّ رِيَاءٍ شِرْكٌ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص. ۲۹۳)، هر عبادتی که غایت آن به جای رضای حق، تأمین امیال نفسانی یا منافع دنیوی باشد، «شرک محض» است. بر این اساس، عبادات ریاکارانه به دلیل فقدان اخلاص، از حیث فساد نیت و سقوط از درجه اعتبار، هم‌سنگ معاصی آشکار محسوب می‌شوند (امام خمینی، ۱۳۸۰، صص. ۳۵ و ۷۳).

بر اساس مبانی فقهی-اخلاقی امام خمینی، طهارت نیت از ریا، شرط بنیادین صحت کلیه عبادات است. تحقق نیت ریاکارانه، چه به صورت انحصار انگیزه در خودنمایی نزد مردم و چه به صورت ترکیب قصد قربت با آن (در هر شکلی از استقلال یا تابعیت انگیزه‌ها)، موجب بطلان عمل، ارتکاب گناه کبیره شرک و سقوط عبادت از مرتبه قبول الهی می‌شود (امام خمینی، ۱۴۲۲ ق، ص. ۳۳۱).

در اندیشه عرفانی-اخلاقی امام خمینی، تعریف جامع «شرک در عبادت» شامل هر مرتبه‌ای از «اذخال رضای غیر حق» در نیت است که به دو قسم اصلی تقسیم می‌شود: «شرک جلی» یا «ریای فقهی» که انگیزه آن جلب رضایت دیگران است، و «شرک خفی باطنی» که غایت آن «جلب رضای نفس» می‌باشد. مصادیق شرک خفی،

عباداتی را در بر می‌گیرد که با اهداف نفس‌محور و دنیوی (چون طلب رزق یا دفع بلا) و حتی اخروی (چون ترس از جهنم یا شوق بهشت) انجام شوند. این دسته از اعمال، گرچه ظاهراً صحیح‌اند، در قلمرو «عبادات عبید و اجراء» قرار گرفته و فاقد خلوص کامل‌اند. در مقابل، «عبادات احرار» قرار دارد که محرک آن صرفاً «حبّ ذاتی به حق تعالی» است و از این انگیزش‌های غیراصیل تهی می‌باشد. از این منظر، خلوص تام زمانی محقق می‌شود که «نفس، عابد و معبود» از التفات استقلال ساقط شوند و غایت سلوک توحیدی، یعنی دستیابی به «قلب سلیم» از طریق «اسقاط مطلق اضافات، تعینات و کثرات»، حاصل گردد (امام خمینی، ۱۳۸۰، صص. ۳۲۶ - ۳۲۷).

• دام‌های ریا در نماز جماعت

از منظر امام خمینی، نماز جماعت با تمام عظمتش، میدانی است که شیطان با ظرافت، دام‌های ریا و شرک خفی را در آن می‌گسترده. این وسوسه، امام جماعت را از دو سو تهدید می‌کند: گاه با تظاهر به خشوع در برابر اغنیا و قدرتمندان برای کسب منزلت، و گاه به شکلی معکوس، با نمایش زهد در مسجدی خلوت که باطناً به حسد نسبت به امامان پرجمعیت آلوده است.

مأموم نیز از این دام در امان نیست؛ چه آنگاه که برای نمایش تقوا به صف اول می‌شتابد، و چه زمانی که فردی صاحب‌نام، با نشستن در صف‌های پشتی، زهد و وارستگی دروغین خود را به نمایش می‌گذارد. این انحراف حتی در ترک جماعت نیز خود را نشان می‌دهد؛ آنجا که فرد به بهانه عدم عدالت امام، نماز فردای خود را با رکوع و سجود طولانی در منظر دیگران می‌آراید تا تقوای خود را اثبات کند. به تعبیر امام، هر یک از این مصادیق، شرک خفی است که به دلیل عظمت نماز جماعت، خطری دوچندان دارد و عبادت را از جوهره اخلاص تهی کرده، آن را از درجه قبول الهی ساقط می‌کند، هرچند ظاهر عمل بی‌نقص باشد (همان، صص. ۴۹ - ۵۱).

از منظر امام خمینی، بقا و تداوم رسوم عبودیت در چارچوب دوگانگی میان عابد و معبود، و استمرار تمایز مفهومی میان عبادت، اخلاص و دین، نشانه‌ای از آمیختگی با «غیریت» و «انانیت» است. این وضعیت، به دلیل حفظ تعینات ماهوی و تعلقات خودی در برابر حقیقت مطلق الهی، در دستگاه معرفتی ارباب معارف، مصداقی از شرک قلمداد می‌شود؛ هرچند این شرک، ماهیتی و غیر جلی دارد و بیشتر به افق‌های پایانی سیر توحیدی مربوط است. (همان، ص. ۳۲۹)

• میل به آشکار شدن خیرات

از نگاه امام خمینی، نفس انسان‌ها به مقتضای سرشت طبیعی، گرایش دارد که اعمال خیرشان برای دیگران آشکار گردد، حتی اگر قصد اصلی آنان جلب توجه نباشد. این میل، اگر چه برای عموم مردم موجب بطلان عمل یا حکم به شرک، نفاق یا کفر نمی‌شود، اما در منطق عرفانی و برای ولی‌الله یا عارف بالله نقصی اخلاقی - معنوی و از مصادیق شرک خفی به‌شمار می‌آید؛ زیرا در این مرتبه، هرگونه گرایش به غیر خدا بر اخلاص کامل سایه

می‌افکند. لذا امام می‌فرمایند: «این نقص اولیاست، و در نظر ولیّ یا عارف باللّه شرک و نفاق است». (همان، ص. ۵۷)

۴-۲. نفاق سلوکی و تظاهر

• اظهار کاذب فضایل اخلاقی

امام خمینی در تبیین مصادیق شرک خفی، اظهار فضایل اخلاقی در حالی که فرد فاقد آن فضایل است را نمونه‌ای روشن از این نوع شرک معرفی می‌کنند. به اعتقاد ایشان، هنگامی که انسان صفاتی چون حلم و بردباری را برای خود توصیف کند یا به نمایش نهد، بدون آنکه در واقع واجد چنین خصلتی باشد، مرتکب نوعی نفاق، دورویی و ریا شده است که از مصادیق شرک خفی به شمار می‌آید. با همین نگاه، نمایش ظاهری خشوع و فروتنی در حالی که قلب انسان از ورع و پرهیزگاری حقیقی خالی باشد، یکی از آشکارترین نمونه‌های پیوند همزمان ریا، نفاق و شرک خفی محسوب می‌شود. (همان، ص. ۳۷۷)

۴-۳. انحراف در ولایت‌پذیری

• شوخ پرستی و شیخ پرستی

امام خمینی در «شرح چهل حدیث»، با زبان تند و طنزآمیزش، یک انحراف بسیار ظریف اما خطرناک در مسیر سلوک عرفانی و اخلاقی را نقد می‌کنند. امام درباره‌ی «مکاید شیطان» سخن می‌گویند؛ مکرهایی که حتی سالک یا طالب معنویت را با ظاهر حق‌نما، از مسیر مستقیم منحرف می‌کنند.

دو نمونه از فریب‌ها

۱. شوخی با دلبری: سالکی به بهانه‌های عرفانی (!) به سمت جذابیت‌های ظاهری (مثل بازی با چهره یا نگاه فردی) کشیده می‌شود. شیطان توجیه می‌آورد که: «اگر قلبت به یک چیز به شدت وابسته باشد، زودتر می‌توانی این وابستگی را قطع کنی!» در واقع این پوششی برای گرایش نفسانی است، اما برچسب «تمرین قطع تعلق» می‌خورد.

۲. شیخ‌بازی افراطی و کورکورانه: برخی به جای توجه به حقیقت معنوی «انسان کامل»، دل می‌بندند به صورت و شمایل یا اقتدار ظاهری یک شیخ خاص. شیطان این را با جمله‌ای به ظاهر عمیق توجیه می‌کند: «انسان کامل تنها راه رسیدن به خداست و باید در آینه‌ی وجود او جمال حق را دید» ولی در عمل، طرف در بند «تصویر ظاهری» شیخ می‌ماند و هرگز به حقیقت راه نمی‌یابد.

دو سرانجام تلخ

- آن که عاشق چهره‌ی شوخ است، تا آخر عمر در همان شهوت حیوانی می‌ماند.
- آن که اسیر چهره‌ی شیخ است، در بند تقلید کورکورانه و اوهام می‌ماند.

هر دو هم به تعبیر امام «به عالم جن و شیاطین ملحق می‌شوند»؛ یعنی از مسیر الهی دور می‌شوند.

امام این رفتار را حتی «شِرک» می‌داند:

- برای نوع اول: شرک عرفانی → دل‌دادگی به غیر خدا با توضیح عرفانی.
- برای نوع دوم: شرک جلی → پرستش چهره یا شخصیت ظاهری به جای حقیقت توحیدی.

یعنی امام می‌خواهند بگویند: در مسیر توحید، هر تعلّقی با برجسب معنویت که جای خدا را بگیرد، شرک است؛ شیطان گاهی آن را با «زبان عرفان» بسته‌بندی می‌کند تا کسی بویش را نبرد. (همان، ص. ۵۳۲)

بخش پنجم: بازتاب‌های اجتماعی و رفتاری شرک خفی

۵-۱. رفتارهای ذلت‌بار و تملق

• تملّق

امام خمینی در تحلیل اخلاقی - معرفتی خود، تملق را از مصادیق بارز شرک خفی قلمداد می‌کنند. ایشان با تمایزگذاری میان «تواضع» و «تملق» از یک سو، و میان «تکبر» و «عزت نفس» از سوی دیگر، به تفاوت بنیادین این رفتارها در مبادی، غایات و ثمرات اشاره می‌کنند.

از نظر امام، تملق رفتاری است که خاستگاه آن شرک و جهل بوده و از فقدان معرفت توحیدی سرچشمه می‌گیرد. غایت این رفتار، تأمین اغراض و منافع نفسانی است و پیامد نهایی آن جز خواری، نقص و عار برای فاعل نخواهد بود. تملق به این معنا، نوعی وابستگی قلبی و معنوی به غیر خدا ایجاد می‌کند و در سطح باطنی، به معنای پذیرش قدرت و اثرگذاری مستقل برای مخلوقات است؛ امری که در منطق امام، عین شرک خفی به‌شمار می‌آید. در مقابل، عزّت نفس در اندیشه امام، ریشه در توکل بر خداوند متعال و اتکاء وجودی به حق دارد. غایت آن وصول به رضای الهی و ثمره‌اش «ترک غیر» و انقطاع کامل از وابستگی به غیر خدا است. چنین عزّتی، انسان را از مدهانه و چاپلوسی بازداشته و او را در مسیر خلوص نیت و تحقق توحید عملی قرار می‌دهد (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۳۳۶).

• هرگونه ستایش غیر حق

«ستایش غیر حق» از دیدگاه امام خمینی دارای ابعاد چندگانه‌ای است که ریشه در آفات درونی و نمود در رفتارهای بیرونی دارد. همان‌طور که در چارچوب تحلیلی این مقاله نشان داده شده، منشأ روان‌شناختی این انحراف، رذایلی چون «انانیت و حب نفس» است که فرد را نیازمند توجه و ستایش مخلوق می‌کند. این نیاز درونی، خود را در دو ساحت اصلی بروز می‌دهد: در ساحت عبادی، به شکل «ریا و سُمعه» ظاهر می‌شود که فرد عبادت را برای جلب ستایش مردم و نه برای تقرب به خدا انجام می‌دهد. و در ساحت اجتماعی، به صورت «تملق از صاحبان قدرت» تجلی می‌یابد که نوعی ستایش دروغین برای کسب منافع دنیوی است.

امام خمینی در بیان خود، این ارتباط عمیق میان حالت درونی و عمل بیرونی را با مثال ذکر «لبیک» به‌خوبی روشن می‌سازند؛ آنجا که می‌فرمایند اگر این ذکر با «بقای انانیت» ادا گردد، حقیقت توحیدی خود را از دست می‌دهد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، صص. ۲۲ - ۲۳). در حقیقت، حمد و ستایش خالصانه تنها زمانی محقق می‌شود که فرد از خودپرستی عبور کرده باشد، وگرنه هر ستایشی، یا به ستایش نفس بازمی‌گردد یا به ستایش مخلوقی دیگر برای ارضای همان نفس.

۵-۲. فرهنگ گفتاری و رفتاری شرک‌آلود

• هرگونه نسبت دادن نعمت به غیر حق

در اندیشه توحیدی امام خمینی، «نسبت دادن نعمت به غیر حق» ریشه‌ای عمیق در یک خطای معرفتی بنیادین دارد که در این پژوهش تحت عنوان «پندار استقلال در وجود» تحلیل شده است. این پندار، انسان را در «حجاب کثرت افعالی» گرفتار می‌کند؛ به‌طوری‌که فرد به جای مشاهده منعم حقیقی، در اسباب و وسایط ظاهری متوقف شده و برای آن‌ها در اعطای نعمت، استقلال قائل می‌شود. این نگرش در نهایت به باور شرک‌آمیز، یعنی واگذاری حقیقی امور به غیر خدا، می‌انجامد. امام خمینی این اصل را در بیانی خطاب به حجاج، به صورت یک شاخص عملی ترسیم می‌کنند و غایت توحید را آن می‌دانند که «هر نعمتی... تنها از خدا دانسته شود» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، صص. ۲۲ - ۲۳). بر این اساس، شرک خفی دقیقاً در همین نقطه رخ می‌دهد که فرد در مقام شکرگزاری، چه در نیت و چه در تعلق قلبی، سهمی - هرچند اندک - برای غیر خدا به‌عنوان منبع مستقل نعمت در نظر بگیرد و از این طریق، از اصل توحید در منعمیت فاصله گیرد.

* مصادیق اجتماعی و رفتاری شرک خفی

از منظر امام خمینی یکی از سطوح شرک خفی در حوزه مناسبات اجتماعی و فرهنگی، ناشی از ضعف معرفت و ایمان ناقص است که زمینه ترجیح رضایت مخلوق بر رضای خالق را فراهم می‌کند. این امر، به‌ویژه زمانی مشهود

است که فرد در برابر عوامل و اسباب ظاهری (کثرتها)، از «مسبب‌الاسباب» غافل شده و به جلب نظر صاحبان قدرت یا منزلت اجتماعی گرایش یابد، حتی با هزینه خشم الهی. این شرک خفی که ریشه در انانیت و خودبینی دارد، فراتر از حوزه فردی، در تعاملات اجتماعی نیز به واسطه ضعف در توحید افعالی و نادیده گرفتن قدرت مطلق الهی، مصادیق و نمودهای رفتاری متعددی می‌یابد:

۱. موافقت آشکار یا ضمنی با اهل معصیت، به منظور کسب رضایت آنان.
۲. ترک امر به معروف و نهی از منکر در موقعیت لازم، به دلیل ترس یا ملاحظه نفسانی.
۳. صدور فتوا یا حکم خلاف واقع برای جلب نظر صاحبان مناصب.
۴. تصدیق یا تکذیب نابه‌جا به سود یا زیان افراد، با انگیزه‌های غیرالهی.
۵. غیبت و اتهام به مؤمنان با هدف جلب توجه اصحاب قدرت یا اهل دنیا. (امام خمینی، ۱۳۸۰ ش، ص. ۵۶۲)

این گونه رفتارها، از نظر امام خمینی نه صرفاً خطای اخلاقی، بلکه نشانه‌ای از «شرک خفی» است؛ زیرا در آن، اراده و رضایت مخلوق - مخلوقی کم‌اهمیت - بر اراده و رضای خالق مقدم می‌شود. (همان)

بخش ششم: راهکارهای درمان

۶-۱. راهکارهای معرفتی

• تحقق توحید فعلی و قطع اعتماد قلبی به غیر خدا

نخستین و بنیادی‌ترین راه درمان شرک خفی، «تطهیر قلب از اعتماد به خلق» و تحقق «توحید افعالی» است. امام خمینی تصریح می‌کند که اتکای قلبی به اسباب، اشخاص و مخلوقات - در ظاهر مشروع - در باطن نوعی شرک خفی و نزد اهل معرفت، گاه شرک جلی محسوب می‌شود. از نظر ایشان، صرف علم نظری و برهانی به توحید کفایت نمی‌کند، بلکه توحید باید به «حقیقت عملی» در جان سالک تبدیل شود؛ در غیر این صورت، حتی علم توحید می‌تواند به «حجاب اکبر» بدل شود. (امام خمینی، ب ۱۳۷۸، ص. ۹۳)

• علم‌آموزی و تفکر برهانی

ریشه تمام مصادیق شرک خفی، یک خطای شناختی در فهم «توحید افعالی» بود. بنابراین، اولین و بنیادین‌ترین گام، اصلاح این بینش از طریق علم و تفکر است. یکی از مهمترین قدم‌ها، درک عقلی و برهانی اصل «لَا مُؤَثَّرَ فِي الْوُجُودِ إِلَّا اللَّهُ» است. سالک باید با تفکر و استدلال دریابد که تمام ممکنات، از جمله نفس خود او، وجودی فقیرانه، ربطی و غیرمستقل دارند. درک این حقیقت که عالم، جلوه حق است و نه وجودی در برابر او، پندار استقلال اسباب و کثرات را در ذهن سالک در هم می‌شکند. (امام خمینی، ب ۱۳۷۸، صص. ۲۷۶-۲۷۷) امام مطالعه کتب اهل

معرفت و حکمت متعالیه را برای خواص، و تفکر در آیات قرآن و ادعیه را برای عموم، کلیدی می‌دانند. (همان، ص. ۶)

• تذکر و تلقین دائمی

علم به تنهایی کافی نیست؛ باید این معرفت از سطح «ذهن» به عمق «قلب» نفوذ کند. این امر از طریق «تذکر» و تلقین مداوم حاصل می‌شود. سالک باید پیوسته به خود یادآوری کند که هر نعمت، قدرت، زیبایی و اثری که در عالم مشاهده می‌کند، از آن خداست و دیگران صرفاً مجاری و واسطه‌های فیض او هستند. تکرار اذکار توحیدی با توجه به معانی عمیق آن‌ها، به‌ویژه ذکر «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، نقش اساسی در تثبیت این نگاه توحیدی دارد (امام خمینی، ب ۱۳۷۸، صص. ۲۷۶-۲۷۷).

۶-۲. راهکارهای عملی - سلوکی

• اصلاح نیت و اخلاص عملی در همه مراتب عمل

از محوری‌ترین درمان‌های شرک خفی، «تخلیص نیت از هر شائبه غیرالهی» است. امام خمینی اخلاص را «اخراج غیر حق از منزلگاه نیت» تعریف می‌کند و بر این نکته تأکید دارد که اغلب اعمال - حتی اعمال عبادی - از خلوص کامل برخوردار نیستند. شرک خفی معمولاً نه در اصل عمل، بلکه در «انگیزه‌ها، زواید، کیفیت اجرا و انتظار نتیجه» رخ می‌دهد. بنابراین، اصلاح نیت نیازمند مراقبت دائمی و بازخواست مستمر از نفس است. (امام خمینی، ۱۳۸۰، صص. ۳۲۷ و ۳۳۲)

• مراقبه، محاسبه و مجاهده دائمی با نفس

امام خمینی راه علاج شرک خفی را بدون «مراقبه قلبی، محاسبه مستمر و مجاهده شدید» ناممکن می‌داند. نفس، به‌ویژه در امور دینی و معنوی، دارای مکرهای بسیار دقیق و پنهان است و انسان غالباً گمان می‌کند عملش خالص است، در حالی که گرفتار انگیزه‌های خودخواهانه است. راهکار عملی در این مرحله، «استنطاق نفس در هر عمل» و بررسی صادقانه انگیزه‌های درونی است. (امام خمینی، ۱۳۸۰، صص. ۵۱ و ۵۴)

• ترک اعمال مشوب به ریا، حتی اگر ذاتاً شریف باشند

یکی از راهکارهای مهم این مرحله، «ترک اعمالی است که شائبه ریا در آنها وجود دارد»؛ حتی اگر آن اعمال فی‌نفسه مستحب یا شریف باشند. امام خمینی تصریح می‌کند که گاه انجام ندادن عمل، از انجام عمل مشوب به ریا، تقرب‌آورتر است. حتی در مواردی توصیه می‌کند که اگر انجام واجبات در ملأعام موجب آلودگی نیت می‌شود، به‌طور موقت در خفا انجام گیرند. (امام خمینی، ۱۳۸۰، ص. ۵۴)

• دفع حبّ دنیا و حبّ نفس به عنوان ریشه‌های شرک خفی

از منظر امام خمینی، «حبّ دنیا و خودخواهی» ریشه‌های بنیادین شرک خفی‌اند؛ چراکه اصلی‌ترین خصم و ویرانگر مجاهدت‌های آدمی، نفس یا همان انانیت و خودمحوری است که سرچشمه‌ی دیگر رذایل نیز به شمار می‌رود. (شریف‌فخر، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۵). بنابراین تا زمانی که دل به دنیا، موقعیت اجتماعی، تأیید دیگران یا حتی کمالات نفسانی وابسته باشد، عمل از شرک خفی خالی نخواهد شد. درمان این ریشه‌ها از طریق «ریاضات علمی و عملی»، زهد قلبی و کاهش تعلقات نفسانی صورت می‌گیرد. (امام خمینی، ۱۳۸۰، ص. ۳۳۲)

• وارستگی قلبی از غیر خدا و بریدن تعلقات انگیزشی

بنیاد تربیت عرفانی بر گذر از خودبینی و انانیت، و در مراحل متعالی، بر گسستن رشته‌ی تعلق به هر آنچه غیر خداست (ماسوی‌الله) بنا شده است. (ملکی، ۱۴۰۲، ص. ۱۰۶) بر همین مبنا، یکی از مراتب دقیق درمان شرک خفی، دستیابی به «دل‌وارستگی از دیگران» است؛ نه صرفاً در رفتار ظاهری، بلکه در ساحت انگیزه‌ها و امیدهای درونی. در این خصوص امام خمینی تأکید می‌کند که حتی وابستگی انگیزشی و روانی به دیگران می‌تواند سالک را گرفتار شرک خفی و حتی «اخفی» کند. (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص. ۵۲۱)

• تصفیه عبادت از ریا، عجب و خودبینی

امام خمینی در «سرّ الصلاة» تصریح می‌کند که از اهم شرایط عبادت عامه، «تخلیص عبادت از شرک جلی و خفی» است؛ به‌ویژه از ریا، عجب و افتخار. عبادت هنگامی حقیقت می‌یابد که صرفاً برای خدا و بدون هرگونه خودنمایی یا احساس برتری انجام شود. (امام خمینی، ۱۳۸۲، ص. ۷۵)

• دعا، انابه و طلب عون الهی در رهایی از شرک خفی

از آنجا که شرک خفی دارای لایه‌های پنهان و پیچیده است، امام خمینی بر «دعا و استعانت مستمر از خداوند» تأکید دارد. انسان بدون لطف الهی قادر به تشخیص و زدودن این بیماری باطنی نیست. (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص. ۱۴۹)

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف گذار از رویکردهای توصیفی و جزئی‌نگر به «شرک خفی»، تلاش نمود تا با واکاوی آثار عرفانی و اخلاقی امام خمینی، الگویی نظام‌مند و ساختاریافته از این پدیده ارائه دهد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شرک خفی در منظومه فکری امام، نه مجموعه‌ای از رذایل اخلاقی پراکنده، بلکه یک «نظام معیوب به هم پیوسته» است که مانند یک بیماری پیش‌رونده، از ساحت اندیشه آغاز شده و تا عینی‌ترین سطوح رفتار اجتماعی امتداد می‌یابد.

بر اساس الگوی چهاربعدی استخراج‌شده در این پژوهش، نتایج زیر حاصل شد:

۱. در بُعد هستی‌شناختی (ریشه بیماری): مشخص گردید که نقطه عزیمت شرک خفی، یک خطای بنیادین معرفتی در درک توحید افعالی است. «پندار استقلال» برای موجودات و غفلت از حقیقت «لا مُؤَثَّرَ فِي الْوُجُودِ إِلَّا اللَّهُ»، بستر اصلی پیدایش تمام انحرافات بعدی است. تا زمانی که سالک، اسباب عالم را مستقل ببیند، رهایی از شرک ناممکن است.

۲. در بُعد روان‌شناختی (کانون بیماری): این خطای بینشی در ساحت قلب، به تولد خطرناک‌ترین بت درونی یعنی «انانیت و حبّ نفس» می‌انجامد. پژوهش نشان داد که از دیدگاه امام، «خودخواهی» مادر تمام بتهاست و شرک خفی در عمیق‌ترین لایه خود، چیزی جز پرستش «خود» به جای «خدا» نیست.

۳. در بُعد عبادی و سلوکی (تخریب درمان): شرک خفی با نفوذ به ساحت عبادت (که باید محل درمان باشد)، آن را از طریق «ریا» و «عُجْب» فاسد می‌کند. تحلیل‌ها نشان داد که ریا، تنها یک گناه فقهی نیست، بلکه نشانه نفاق درونی و بی‌اعتقادی قلبی به قدرت خداوند است که عبادت را از محتوا تهی و به ابزاری برای فریب خلق تبدیل می‌کند.

۴. در بُعد اجتماعی و رفتاری (بروز بیرونی): در نهایت، این بیماری در تعاملات اجتماعی به صورت رفتارهای ذلت‌باری همچون «تملق»، «ترس از غیر خدا» و «اعتماد به مخلوق» ظاهر می‌شود. اثبات شد که فساد اخلاق اجتماعی، ریشه در ضعف توحید دارد و جامعه‌ای که گرفتار شرک خفی باشد، کرامت انسانی را به پای بتهای قدرت و ثروت قربانی می‌کند.

نوآوری این پژوهش در تبیین «ارتباط ارگانیک» میان این چهار ساحت بود.

بر اساس آموزه‌های امام خمینی، درمان شرک خفی فرآیندی تدریجی و سلوکی است که با اصلاح مبانی معرفتی و تحقق توحید افعالی آغاز می‌شود و با مجموعه‌ای از مراقبت‌های عملی-سلوکی استمرار می‌یابد. پیوند میان معرفت توحیدی، تذکر قلبی و مجاهده عملی با نفس، نقش اساسی در تخلیص نیت و رهایی از وابستگی‌های پنهان نفسانی دارد. از این‌رو، اخلاص حقیقی در منظومه فکری امام خمینی نه یک حالت دفعی، بلکه حاصل هم‌افزایی معرفت، عمل و استعانت دائمی از خداوند است.

منابع:

- ابن بابویه، محمد بن علی، **الخصال**، (۱۳۶۲). محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.

- ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۷۶). **الإقبال بالأعمال الحسنة**، محقق / مصحح: قیومی اصفهانی، جواد، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.

- اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ ق). **كشف الغمة فی معرفة الأئمة**، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، تبریز: بنی هاشمی، چاپ اول.

- امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۰). **شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)**، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست و چهارم.

- امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۱). **تقریرات فلسفه امام خمینی قدس سره**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.

- امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۲). **شرح حدیث «جنود عقل و جهل»**، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم.

- امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۹). **صحیفه امام**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم.

- امام خمینی، سید روح الله، (الف ۱۳۷۸). **التعلیقه علی الفوائد الرضویة**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی، چاپ دوم.

- امام خمینی، سید روح الله، (ب ۱۳۷۸). **آداب الصلاة**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم.

- امام خمینی، سید روح الله، (پ ۱۳۷۸). **سر الصلاة (معراج السالکین و صلاة العارفين)**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ششم.

- شریف فخر، فاطمه (۱۳۹۴). **طریق معرفت (دیدگاه عارفانه امام خمینی درباره معرفت صحیح و واقعی)**.

پژوهشنامه متین، ۱۷(۶۶)، ۹۳ - ۱۱۱.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.24236462.1394.17.66.5.7>

- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). **الكافی** (ط - الإسلامية)، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم.

- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار* (ط - بیروت)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.

- ملکی، آیلار (۱۴۰۲). *بررسی دیدگاه های عرفانی امام خمینی (ره) در باب خودسازی: اصول، عناصر، ضرورت و موانع آن*. پژوهشنامه متین، ۲۵(۱۰۰)، ۸۷ - ۱۱۱.

DOI:10.22034/MATIN.2023.238647.1717

- یزدی، محمد کاظم بن عبد العظیم، (۱۴۲۲ ق). *العروة الوثقی مع تعالیک الإمام الخمینی(س)*، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی، چاپ اول.

References

Arbili, Ali ibn Isa (1961). *Kashf al-Ghumma fi Ma'rifat al-A'immah*, Editor: Seyyed Hashem Rasouli Mahallati, 1st edition, Tabriz: Bani Hashemi Publications. [In Arabic]

Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali (1983). *Al-Khisal*, Editor: Ali Akbar Ghaffari, 1st edition, Qom: Jamia Modarresin Publications. [In Arabic]

Ibn Tawus, Ali ibn Musa (1997). *Al-Iqbal bi al-A'mal al-Hasanah*, Editor: Javad Qayyumi Isfahani, 1st edition, Qom: Islamic Propagation Office Publications. [In Arabic]

Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub (1987). *Al-Kafi* (Al-Islamiyya Edition), Editors: Ali Akbar Ghaffari and Muhammad Akhundi, 4th edition, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]

Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi (1983). *Bihar al-Anwar* (Seas of Lights), 2nd edition, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]

Maleki, Aylar (2023). "Investigation of Imam Khomeini's Mystical Views on Self-Purification: Principles, Elements, Necessity and Obstacles". *Matin Research Journal*, 25(100), 87–111. DOI: 10.22034/MATIN.2023.238647.1717 [In Persian]

Mousavi Khomeini, Ruhollah (1999a). *Al-Ta'aliqah ala al-Fawa'id al-Radawiyyah*, 2nd edition, Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]

_____ (1999b). *The Etiquette of Prayer (Adab al-Salat)*, 7th edition, Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]

_____ (1999c). *The Secret of Prayer (Sirr al-Salat: Mi'raj al-Salikin wa Salat al-Arifin)*, 6th edition, Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]

_____ (2001). *An Exposition of Forty Hadiths (Sharh-e Chehel Hadith)*, 24th edition, Qom: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]

_____ (2001). *Al-Urwah al-Wuthqa with Comments by Imam Khomeini*, 1st edition, Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic] (Note: This refers to the work by Yazdi, annotated by Imam Khomeini, listed under his name for grouping or referenced as Yazdi below)

_____ (2002). *Lectures on Philosophy (Taghrirat-e Falsafeh)*, 1st edition, Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]

_____ (2003). *Exposition of the Hadith of the Hosts of Intellect and Ignorance (Sharh-e Hadith-e Jonud-e Aql wa Jahl)*, 7th edition, Qom: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]

_____ (2010). *Sahifeh-ye Imam*, 5th edition, Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]

Sharif-Fakhr, Fatemeh (2015). "The Path of Knowledge (Imam Khomeini's Mystical View on Correct and Real Knowledge)". *Matin Research Journal*, 17(66), 93–111.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.24236462.1394.17.66.5.7> [In Persian]

Yazdi, Muhammad Kazim ibn Abd al-Azim (2001). *Al-Urwah al-Wuthqa with Comments by Imam Khomeini*, 1st edition, Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic]